

پناهیان: ریشه جدایی دین از سیاست، واقعی ندانستن ارزشها و احکام الهی است/ عزاداری یک

رفتار عقلانی است و مهمترین سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود

پناهیان: بعضی‌ها با به کارگیری کلمه «ارزش‌ها» می‌خواهند حساب احکام دینی را از واقعیت‌ها جدا کنند و امور دینی و معنوی را اموری غیرواقعی جلوه دهند. در حالی که امور معنوی در دین ما تماماً از واقعیت‌ها حکایت می‌کنند و آثار واقعی در دنیا و آخرت دارند. کسانی که نمی‌توانند این واقعیت‌های معنوی را ببینند و محاسبه کنند، از عقل کافی برخوردار نیستند. واقعی ندانستن ارزشها و احکام الهی، ریشه جدایی دین از سیاست است. این‌گونه افراد ظاهراً به ارزش‌ها احترام هم می‌گذارند ولی با غیرواقعی دانستن آنها دین را به حاشیه می‌رانند.

حجت الاسلام پناهیان در تجمع دستجات عزاداری و هیئات تهرانسر که در روز شهادت امام صادق(ع) گرد هم آمده بودند، سخنرانی کرد. در ادامه فزاینده‌ای از این سخنرانی را می‌خوانید:

امام صادق(ع) بزرگ معلم «عقلانیت دینی» است/ احکام و توصیه‌های دینی ما تماماً عقلانی هستند

- روز شهادت امام صادق(ع) روز تثبیت «عقلانیت دینی» و ترویج عقلانی دین است، روز احیاء عقل است؛ چرا که امام صادق(ع) در تاریخ اسلام، عقلانیت را در جهان اسلام احیا کرد و جلوی احکام و معارف غیرعقلانه را گرفت. اگر زحمات امام صادق ع نبود ما امروز شاهد انبوهی از احکام غیر عقلانی و تحریفات وحشتناکی، شبیه آنچه تکفیری‌ها بدعت‌گذاری می‌کنند، بودیم.
- یکی از مهمترین آثار تلاش‌های امام صادق(ع) که تا کنون باقی است این بود که عقلانیت دین را احیاء و تثبیت فرمودند و جلوی بی‌عقلی‌ها و کج‌فهمی‌ها را گرفتند. ایشان بزرگ معلم دین و عقلانیت دینی بود که تمام مذاهب اسلامی از ایشان بهره بردند.
- احکام و توصیه‌های دینی ما، تماماً عقلانی هستند و اگر کسی این معنا را در جامعه ما جا بیندازد، در مسیر امام صادق(ع) حرکت کرده است. چه در فقه و چه در کلام و اخلاق ما شاهد فرمایشات بسیار حیاتی امام صادق(ع) هستیم که ابواب معارف و علوم اسلامی را گشودند و عقلانیت دین را تبیین فرمودند.

محکم ایستادن در مقابل دشمن لازمه عقلانیت است/ تنها ارزشها و احکام اسلامی نیست که ما را به

مقاومت دعوت می‌کنند

- وقتی در عرصه سیاست مطابق دستورات دین عمل کنیم در واقع عقلانی عمل کرده‌ایم، و آرمانهای دینی ما در متن همین عقلانیت تحقق می‌یابد. جهاد و محکم ایستادن در مقابل دشمن لازمه عقلانیت است. شما اگر به قیامت، شهادت و اجر و پاداش الهی نیز معتقد نباشید، عقلانیت تجربی هم به شما می‌گوید که باید در مقابل دشمن ایستادگی کرد. در مقابل سنگ هاری که به شما حمله می‌کند، نباید فرار کنید بلکه باید برگردید و یک سنگ بردارید و مقابلش بایستید تا او فرار کند. اینها را عقلانیت تجربی هم به ما می‌گوید، تنها ارزش‌ها و احکام اسلامی نیست که ما را به مقاومت دعوت می‌کند.
- امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: شقی کسی است که به تجربه بی‌اعتنا باشد. (إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَ التَّجْرِيبَةِ؛ نهج‌البلاغه/نامه ۷۸) بعضی از سیاسیون به تجربه‌های روشن تاریخی بی‌اعتنا هستند. کسانی که عقل را تنها عقل تجربی معنا می‌کنند هم نمی‌توانند با اتکاء به تجربیات، علیه معنویات اقامه دلیل کنند. چون تجربه بشری نیز دائماً در تأیید عقلانیت دینی است.

واقعی ندانستن احکام الهی، ریشه جدایی دین از سیاست است/ می‌خواهند حساب ارزشها را از واقعیت‌ها

جدا کرده و امور ارزشی را غیرواقعی جلوه دهند

• یک کلمه‌ای رایج شده است به نام «ارزش‌ها». مثلاً می‌گویند: «این‌ها مسائل ارزشی هستند...» منتها اصل این کلمه از دین گرفته نشده است. بله ما از ارزشها دفاع میکنیم ولی باید دید منظور از ارزشها چیست؟ نباید اجازه سوء استفاده از مفهوم ارزشها را به تجربه گرایان داد.

• بعضی‌ها با به کارگیری کلمه «ارزش‌ها» می‌خواهند حساب احکام دینی را از واقعیت‌ها جدا کنند و امور دینی و معنوی را اموری غیرواقعی جلوه دهند. در حالی که امور معنوی در دین ما تماماً از واقعیت‌ها حکایت می‌کنند و آثار واقعی در دنیا و آخرت دارند. کسانی که نمی‌توانند این واقعیت‌های معنوی را ببینند و محاسبه کنند، از عقل کافی برخوردار نیستند. واقعی ندانستن احکام الهی، ریشه جدایی دین از سیاست است. این‌گونه افراد ظاهراً به ارزش‌ها احترام هم می‌گذارند ولی با غیرواقعی دانستن آنها دین را به حاشیه می‌رانند.

• وقتی آنها درباره برخی دیگر می‌گویند: «این‌ها آدم‌های ارزشی هستند» در واقع می‌خواهند این مطلب را جایبندازند که: «دو گونه آگاهی و گزاره وجود دارد: یک نوع آگاهی و گزاره‌هایی که واقعی هستند و یک نوع هم گزاره‌ها و جملاتی که ارزشی هستند.» یعنی می‌خواهند حساب ارزشها را از حساب واقعیت‌ها جدا کنند و بگویند که امور ارزشی، غیرواقعی هستند. لذا می‌گویند: «ما به ارزش‌ها احترام می‌گذاریم، اما بر اساس واقعیت‌ها زندگی می‌کنیم.»

• مثلاً می‌گویند: اینکه «زمین جاذبه دارد» یک گزاره ارزشی نیست بلکه یک گزاره واقعی است. ولی اینکه «وضو نور دارد» یک گزاره ارزشی است؛ نه یک گزاره واقعی! در حالی که پیامبران الهی، تماماً از واقعیت‌های عالم به مردم خبر میدادند. همان‌طور که زمین جاذبه دارد و این را می‌توان اندازه‌گیری کرد، وضو هم نور دارد و این واقعیت را هم با روشهای گوناگون می‌توان مورد ارزیابی قرار دارد، البته دشوارتر است.

دین یعنی عقلانیت و کسی که بی‌دینی کند یعنی کار غیرعقلانی انجام داده است/ در آخرالزمان مردم از سر

عقلانیت، دینداری می‌کنند

- دین یعنی عقلانیت، و گزاره‌های دینی گزاره‌هایی واقعی(و مطابق با واقعیت) هستند نه گزاره‌های ارزشی -به آن معنایی که بعضی‌ها می‌گویند و منظورشان غیرواقعی بودن این گزاره‌هاست- گزاره‌های دینی مطابق با واقعیت هستند؛ هرچند ممکن است ما با علم تجربی ناقص خودمان به واقعی بودن آنها پی نبرده باشیم. ولی می‌توان گفت که در آخرالزمان، مردم بیشتر از سر عقلانیت دینداری می‌کنند. یعنی عقلانیت دین را می‌فهمند چه عقلانیت تجربی چه عقلانیت دینی آنچنان که در فقه و کلام از آن استفاده میشود.
- سعی امام صادق(ع) بر این بود که به ما بفهماند همه دین، عین عقلانیت است. نتیجه چنین فهمی از دین، این است که اگر کسی بی‌دینی کند یعنی کار غیرعقلانی انجام داده است و اگر کسی دینداری کند یعنی آدم عاقل و فهمیده‌ای است. این همان دینی است که امام صادق(ع) دارد به ما عرضه می‌کند و می‌فرماید: «ستون خیمه انسان، عقل است، اگر این عقل نورانی شود خوب کار می‌کند و فهم و حفظ و تداعی و همه آنچه از عقل انتظار می‌رود، به خوبی فعال خواهد شد؛ دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَ الْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْإِلْمُ وَ بِالْعَقْلِ يَكْمَلُ وَ هُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مُفْتَاخُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَاكِرًا فَطِنًا فَهِيمًا فَكَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَ لِمَ وَ حَيْثُ وَ عَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَ مَنْ عَشَهُ» (کافی/۱/۲۵)
- یکی از مهمترین تفاوت‌های اسلام با دیگر ادیان این است که اگر در دیگر ادیان بخواهید یک مقدار بحث عقلانی کنید، به شما خواهند گفت: «اینها با روشهای عقلانی قابل درک و تبیین نیستند! چرا می‌خواهید مسائل معنوی را با عقل محاسبه می‌کنید؟!» ولی در اسلام، همه امور دینی و معنوی بر اساس عقلانیت است.

چرا دوران مسخره کردن دینداران با ظهور امام زمان(ع) به پایان می‌رسد؟

- می‌دانید چرا گاهی دینداران را مسخره می‌کنند؟ یکی از دلالت‌های این است که عقلانیت دین به انحاء و اقسام تبیین نشده است. به صورت‌های مختلف باید به ترویج عقلانیت دین پرداخت حتی اگر لازم باشد با ادبیات گوناگون دین تبلیغ شود همانطور که در روایات و آیات قرآن مشاهده می‌کنیم.
- وقتی امام زمان(ع) تشریف می‌آورند، این‌طور نیست که ایشان جیب انسان‌ها را پر از پول و ثروت کنند، یا جسم آنها را سرشار از سلامتی کنند، یا اینکه روحیهٔ تعبد به انسان‌ها بدهند، یا ایمان آنها را افزایش دهند، یا قلب انسان‌ها را نورانی کنند. حضرت به‌جای همهٔ این کارها، بر سر بندگان دست می‌کشند و عقل آنها را افزایش می‌دهند (إِذَا قَامَ قَائِمًا وَصَحَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ وَعُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَعْلَامَهُمْ؛ کافی/۲۵/۱۷) چون اگر عقل انسان‌ها افزایش پیدا کند، همهٔ آن خوبی‌ها به همراهش خواهد آمد. اگر عقل انسان افزایش پیدا کند، روحیهٔ تعبد هم به دنبالش خواهد آمد چون عقل انسان‌ها آن‌قدر زیاد می‌شود که از روی عقل و فهم، تعبد پیدا می‌کند و نورانی هم میشوند.

پرهیز ما از زندگی غربی به خاطر عقلانیت ماست نه صرفاً به خاطر ارزش‌های اسلامی

- امیدوارم ما در آخرالزمان قرار داشته باشیم و عقلانیت دینی ما افزایش پیدا کند. امیدواریم از کسانی باشیم که از سر عقل، دینداری می‌کنند؛ امیدواریم همان کسانی باشیم که امام صادق(ع) دربارهٔ آنها فرمود که از سر عقل‌شان، سخنان ما را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند.
- ما دیگر نباید فقط بگوییم: «به خاطر ارزش‌های اسلامی، مثل غربی‌ها زندگی نمی‌کنیم!» بلکه می‌توانیم بگوییم: «به خاطر اینکه عقل‌مان می‌رسد، مثل آنها زندگی نمی‌کنیم. و اصلاً آن‌گونه زندگی کردن عین حماقت است حتی اگر دین نداشته باشیم.» برای این سخن خودمان هم دلایل زیادی داریم، مثلاً اینکه در آنجا خانواده‌ها متلاشی شده‌اند، نسل‌ها منقرض شده‌اند، انسان‌ها روان‌پریش شده‌اند، کیفیت زندگی کاهش پیدا کرده است و بسیاری از دلایل دیگری که با کمی دقت و هوشیاری می‌توان از زندگی‌های آنها فهمید.

چرا حاضر نیستیم مثل غربی‌ها زندگی کنیم؟/چون بر همهٔ کشورهای غربی، گرگ‌ها و حامیان جنایتکاران حاکم هستند

- چرا ما حاضر نیستیم مثل غربی‌ها زندگی کنیم؟ یکی از دلایل قاطع ما این است که بلا استثناء بر کشورهای غربی، گرگ‌های خون‌خواری حاکم شده‌اند که از خون‌خواران و جنایتکاران جهان حمایت می‌کنند. نفرین بر فرهنگی که چنین انسان‌های پست و رذلی را بر جامعه حاکم میکند، که کشتن انسان‌ها برای‌شان این‌قدر آسان است و اسلحهٔ قاتلان و جنایتکاران عالم را با وقاحت تمام تأمین می‌کنند. ما هرگز حاضر نیستیم فرهنگ غربی‌ها را بپذیریم تا چنین گرگ‌هایی بر ما حاکم شوند. در این نگاه اصلاً بحث دین و ارزش‌ها مطرح نیست، بلکه بحث عقلانیت مطرح است.
- حاکمان کشورهای غربی دارند این‌همه جنایت را می‌بینند، از جنایت‌های غزه گرفته تا همین جنایتکاران تکفیری که این‌طور وحشیانه آدم می‌کشند. فقط یک نمونه از جنایت‌های تکفیری‌ها این بود که دو هزار و پانصد کودک را سر بریدند، به دلیل اینکه محبتی به اهل بیت ع دارند، آنها دارند این جنایت‌ها را می‌بینند ولی سکوت میکنند و حتی رسماً از جنایتکاران حمایت می‌کنند و به آنها اسلحه می‌دهند.
- در مقابل آن‌همه جنایت سکوت کردند و حمایت کردند، اما وقتی یک خبرنگار آمریکایی توسط تکفیری‌ها سربریده شد، تازه صدای اعتراض‌شان بلند شده است. خاک بر سر فکر و فرهنگی که چنین انسان‌های پست‌فطرتی را بر آن جوامع بشری حاکم میکند.

این‌جا بحث از ارزش‌های دینی نیست، بحث انقلابی‌گری هم نیست. بلکه یک بحث عقلانی است. چگونه یک طرز تفکر و یک فرهنگ و یک تمدن منجر به چنین جنایاتی بشود و هیچ راهی برای کنترل آن نداشته باشد و معقول باشد؟

اینکه امام(ره) فرمود؛ آمریکا قابل اعتماد نیست، یک بحث عقلانی است نه یک بحث ارزشی

- راه حضرت امام(ره) نیز، راه عقلانی بود. مثلاً اینکه امام(ره) می‌فرمود، نمی‌شود به آمریکا اعتماد کرد، یک بحث عقلانی است، نه یک بحث ارزشی. شما ببینید کدام کشور در جهان، به آمریکا اعتماد کرده و زمین نخورده است؟! مثلاً ژاپنی‌ها برای اینکه نیروی مسلح داشته باشند و بتوانند از زیر یوغ آمریکایی‌ها خارج شوند و سربازان آمریکایی از ژاپن خارج شوند، ۷۰ سال است که دارند سعی می‌کنند اعتماد آمریکایی‌ها را جلب کنند، ولی هر کاری برای جلب اعتماد آنها انجام می‌دهند باز هم آمریکایی قبول نمی‌کنند و به آنها اجازه‌ی استقلال کامل نمی‌دهند، معلوم نیست که دیگر این ژاپنی‌ها چه کار باید انجام دهند تا آمریکایی‌ها به آنها اطمینان پیدا کنند؟! در عرصهٔ اقتصاد هم می‌دانید که هنوز ژاپن به سرمایه‌داران غربی و صهیونیست‌ها چقدر وابسته است.
- آمریکا به هیچ یک از قراردادهای بین‌المللی خودش ملتزم نبوده است و صهیونیست‌ها نیز پای هیچ عهد و پیمانی تا آخر نایستاده‌اند. این مسائل کاملاً عقلانی است و برای فهمیدن و پذیرش آن، حتی نیاز به اعتقاد به دین و انقلاب و ارزش‌ها هم نیست. هر سیاستمداری که این مسائل را نفهمد، عقل او ضعیف است. البته اگر انسان در شرایطی مجبور به گفتگو شود، گفتگو می‌کند ولی باید بداند با چه کسی دارد گفتگو می‌گوید. باید تجربهٔ تاریخی طرف مقابل را مد نظر قرار دهد.
- درک این مسائل نیاز به عقلانیت دارد نه دیانت. البته دیانت عقلانیت انسان را افزایش میدهد و به همین دلیل هم دیانت لازم است چون آدم بی دین به نسبت بیدینیش عقلش هم کم میشود. شما اگر بخواهید با کسی که در ماه‌های گذشته نیمی از چک‌های او برگشت خورده است معامله کنید، طبیعتاً با احتیاط بیشتری با او معامله می‌کنید و اگر مجبور نباشید، اصلاً با او معامله نمی‌کنید، چون عقل انسان می‌گوید که او آدم بدحساب و بدعهد و بی‌وفایی است، نیاز به قرآن و آیه و روایت هم نیست. همین که قرآن به ما فرموده است: «با دست خود، خودتان را به هلاکت نیفکنید؛ لا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/۱۹۵) برای ما کافی است.

عزاداری یک رفتار عقلانی است و مهمترین سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود / کسانی که عزاداری‌ها را بی‌فایده می‌دانند، باید عقل خود را اصلاح کنند

- شما که الان برای اهل‌بیت(ع) عزاداری می‌کنید، می‌دانید که عزاداری کردن هم یک رفتار عقلانی است. وقتی محاسبهٔ عقلانی انجام می‌دهید می‌بینید که همین عزاداری‌ها مهمترین سرمایه اجتماعی محسوب میشود. سردبیر یکی از نشریات معتبر روسی، سال‌ها قبل در ماه محرم به ایران آمده بود و عزاداری‌های مردم را دیده بود و بعد از بازگشت گفته بود: ایران اگر سلاح هسته‌ای هم داشته باشد، غربی‌ها از سلاح هسته‌ای ایران نمی‌ترسند، ایران هر تکنولوژی و هر نیروی نظامی‌ای در اختیار داشته باشد، غربی‌ها از آن نمی‌ترسند، آنچه که غربی‌ها می‌ترسند، و چیزی که ایران با آن ابرقدرت خواهد شد و تمدن غرب را نابود خواهد کرد، آن چیزی است که من در روز عاشورا در ایران مشاهده کردم و آن دسته‌های عزاداری محرم بود که سرمایهٔ اجتماعی بسیار بی‌نظیری است. (خبرگزاری فارس/ شماره: ۸۹۱۰۰۶۰۶۵۵) این یک سخن ارزشی نیست، بلکه یک سخن عقلانی است. او که بر اساس آیات و روایت سخن نگفته است! او که طبق روایات ما سخن نگفته است که مثلاً «هر کسی در رثای اهل‌بیت(ع) یک قطره اشک بریزد، بهشت بر او واجب می‌شود» او نظر عقلانی خودش را بیان کرده و طبق محاسبات عقلانی خودش بررسی کرده است که این مسأله، در جامعه یک نیروی عظیم اجتماعی تولید خواهد کرد.

- عزاداری برای اهل بیت (ع) یک کار عقلانی است. اینکه بعضی‌ها عزاداری‌ها را بی‌فایده می‌دانند، باید عقل خودشان را اصلاح کنند و الا حتی اگر این همه روایت درباره اهمیت رئای اهل بیت (ع) نداشتیم، باز هم انسان عاقل با عقل خودش می‌فهمد که این عزاداری‌ها چه اثر عمیقی دارد.
- مثلاً همین نوحه‌خوانی و جواب دادن به نوحه‌ها که در هیات‌ها مرسوم است، آیا یک رسم و فرهنگ من‌درآوری ما است؟! به هیچ وجه این‌طور نیست؛ خود اهل بیت (ع) تأکید فرموده‌اند که در رئای آنها شعر خوانده شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که در رئای اباعبدالله (ع) یک بیت شعر بسراید یا اینکه شعر و نوحه دیگران را بخواند، ما بهشت را بر او تضمین می‌کنیم. **(مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ ع شِعْرًا...؛ كامل الزيارات/ص ۱۰۴)** وقتی یک عالم علوم اجتماعی به این مسأله، دقیق نگاه می‌کند می‌فهمد که چه اثری دارد و چه قدرتی در جامعه ایجاد می‌کند.
- بیش از ده سال قبل، در روز عاشورا یکی از مسئولین به بنده می‌گفت: من پذیرایی‌کننده از یک گروهی از دانشمندان روسی هستم که برای یک کار علمی به تهران آمده‌اند. در ایام محرم آنها را به چهارراه گلوبندک بردم تا دسته‌های عزاداری را ببینند و به تعبیر آنها «کارناوال‌ها» را تماشا کنند. آنها بعد از اینکه دسته‌های عزاداری را دیدند می‌گفتند: ما بین خودمان درباره این مسأله بحث می‌کنیم که این ایرانی‌ها با چنین سرمایه عظیم اجتماعی که دارند چرا تا به حال ابرقدرت نشده‌اند؟! خب معلوم است چون قدر نعمت را نمیدانیم و برخی از مسئولان فرهنگ در جامعه ما عقلشان به این مسائل نمیرسد.
- این‌ها مسائل عقلانی است، منتها اگر شما انتظار دارید که دشمنان ما و شبکه‌های استخبار از عاشورای ما به عظمت یاد کنند، آنها هیچ‌وقت چنین کاری انجام نمی‌دهند، اتفاقاً آنها سعی می‌کنند که به این موضوع بی‌اعتنایی کنند و در رسانه‌های خودشان منعکس نکنند، انگار که چیز مهمی نیست! اگر هم خبری درباره آن منتشر کنند، به عنوان یک مسأله فرعی فرهنگی از آن یاد می‌کنند. ولی خودشان می‌دانند که این مسأله چقدر مهم و قدرت‌ساز است.

چرا ما بعد از ۳۵ سال نتوانسته‌ایم با امام حسین (ع) جهان را فتح کنیم؟

- ما با این تجمع‌ها و عزاداری‌ها می‌توانیم تحولی در جهان ایجاد کنیم. اما چرا ۳۵ سال است که ما با این اهل بیت (ع) و با این امام حسین (ع)، جهان را نجات نداده ایم و اهل عالم را بیدار نکرده‌ایم، و همه را تحت تأثیر آن قرار نداده‌ایم؟ چون برخی از مسئولین فرهنگی ما این قدر که حضرت امام (ره) درایت داشت، آنها نداشته‌اند تا بفهمند که این سرمایه‌های اجتماعی چقدر قیمت دارد. (حضرت امام (ره) می‌فرماید: «همان سینه زنی، همان نوحه‌خوانی، همانها رمز پیروزی ماست. در سرتاسر کشور مجلس روضه باشد. همه روضه بخوانند. و همه گریه بکنند. از این هماهنگ‌تر چی؟ شما در کجا سراغ دارید که ملتی این‌طور هماهنگ بشود؟ کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سید الشهداء (ع) هماهنگ کرده است... این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا [راه می‌افتند] کی می‌تواند یک چنین اجتماعی درست کند؟ در کجای عالم شما سراغ دارید که این مردم این‌طور هماهنگ باشند.» (صحیفه امام/۹۹/۱۱))
- امام (ره) از سر عقلانیتش بر این امور معنوی این‌همه تأکید داشت ولی بودجه‌ها و هزینه‌هایی که در طول این ۳۵ سال انقلاب برای محافل غیرمعنوی صرف شده، بسیار بیشتر از هزینه‌هایی بوده که در این راه صرف شده است. چقدر از بودجه این مملکت، برای امور فرهنگی غیرمعنوی صرف شده است که اتفاقاً مردم را از معنویت فاصله دهد! البته نمی‌گوییم که مسئولین مربوطه آدم‌های بی‌دینی بوده‌اند؛ بلکه بحث ما بر سر میزان درایت و عقل است.

اخلاص عاقلانه از اخلاص عوامانه سخت‌تر و باارزش‌تر است

- سخن آخر بنده هم این است: اینکه ما این قدر بر عقلانیت تأکید می‌کنیم، پس عشق کجا می‌رود؟! ایمان و اخلاص چه می‌شود؟! ما می‌خواهیم عاشقانه عزاداری کنیم و عاشقانه بگوییم: «یا بن الحسن!»، آیا این عشق و اخلاص هم با عقلانیت تناسب دارد؟ پاسخ این است که عشق و اخلاص نه تنها با عقل منافاتی ندارد بلکه عین عقلانیت است.
- برخی از عوام تصور می‌کنند که وقتی عقل ما بگوید «این کار را انجام نده» ولی ما به خاطر خدا آن کار را انجام دهیم، در این صورت اخلاص خواهیم داشت! این «اخلاص عوامانه» است. اخلاص عاقلانه و عالمانه به ما می‌گوید: «این کار برای تو نفع دارد ولی به خاطر خدا آن را انجام بده، نه به خاطر منافع دنیایی خودت.» این جاست که اخلاص زیباست.
- اینکه ما فایده عقلانی یک کار را ندانیم و آن را به خاطر خدا انجام دهیم، این اخلاص عوامانه است. ولی اخلاص عالمانه مثلاً به ما می‌گوید: «سجده طولانی اگرچه گفته اند برای گردش خون و مغز ما مفید است و برای سلامتی جسم انسان مؤثر است، و شما می‌دانید که این سجده چقدر فایده دارد ولی این کار را به خاطر تقرب به خدا انجام دهید نه به خاطر نفع و فایده مادی آن.» این اخلاص هم سخت‌تر است و هم ارزشمندتر است. معلوم است که تمام دستورات دینی به حال دنیای انسان در کوتاه مدت یا دراز مدت مفیدند. معنای اخلاص این نیست که خداوند چند کار بی‌فایده و حتی مضر به ما پیشنهاد داده باشد و از ما بخواهد این کارها را فقط به خاطر او انجام دهیم.
- عشق هم با عقلانیت منافاتی ندارد. اصلاً عقلانیت، عشق انسان را تقویت می‌کند و برای انسان معشوق خوب تعیین می‌کند. عقل می‌گوید: «عاشق آن معشوقی باشد که واقعاً ارزش داشته باشد و الا در عشق خودت شکست می‌خوری و نابود خواهی شد» یعنی عقل در خدمت عشق قرار می‌گیرد و عاشقی را تقویت می‌کند. عقل و عشق با هم منافاتی ندارد و اگر می‌بینید گاهی در ادبیات، عقل و عشق با هم منافات دارند به خاطر این است که می‌خواهند عقل دنیانگر کوتاه بین را تحقیر کنند. و الا اگر کسی عاقل نباشد عاشق نخواهد شد و این عقل است که به انسان می‌گوید: عاشق پروردگار خودت شو تا بیری. «عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید؛ ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی»

یک روزی اشک و گریه و شور بیشتر، نشانه عقل و علم بیشتر خواهد بود

- ما به رشد جامعه خودمان امید داریم. ان‌شاءالله در همین جامعه اسلامی یک روزی خواهید دید، آن کسانی که بیشتر اهل اشک و گریه و شور و حال هستند، نشانه این خواهد بود که عقل و علم‌شان بیشتر است. امروز هم علائم این مسأله دیده می‌شود. کم‌اینکه در مراسم محرم و مراسم اعتکاف، در محیط‌های دانشگاهی بیشتر از محیط‌های دیگر، شاهد اشک و گریه هستیم. عقل و عشق نه تنها با هم منافات ندارند بلکه عقل و فهم، انسان را به عشق نزدیک‌تر می‌کند. عشق و شور انقلابی مال آدم‌های عاقل است. کسی که اهل فهم و درک نباشد، شور انقلابی هم نخواهد داشت.
- دین ما دین عقلانی است و عشق و ایمان و اخلاص ما هم عقلانی است. صفای باطن ما هم نتیجه عقل ماست. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «هر گناهی را انجام دهید یک قطعه‌ای از عقل شما کم می‌شود؛ مَنْ قَارَفَ ذَنْبًا فَارَقَهُ عَقْلٌ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَبَدًا» (میزان‌الحکمه/ حدیث ۶۷۵۱) گناه عقل انسان را کم می‌کند و کار خوب عقل انسان را بیشتر و نورانی می‌کند.
- از خدا می‌خواهیم که به دستان با برکت آقا امام زمان (ع) حتی قبل از ظهور ایشان، عقل ما را افزایش دهد، و عقل ما را کامل و نورانی بگرداند، و ما را از سر عقل، مرید اهل بیت (ع) قرار دهد و عبادات ما را عقلانی قرار دهد و جامعه ما راهنمای رشد عقل و عقلانیت در جهان قرار دهد.

